

لزوم حمایت دولت به عنوان یک رکن مهم سرمایه اجتماعی از تولیدات بخش کشاورزی

دکتر حمید خیرالدین

استاد یار دانشکده کویر شناسی دانشگاه سمنان

چکیده:

با توجه به سهم مناطق بیابانی و کویری در استان سمنان مسئله افزایش ظرفیت تولیدات کشاورزی و منابع طبیعی از مسائل استراتژیک بشمار می رود. و می توان در مواجهه با این موضوع به عنوان یک فرصت به آن نگریسته و با توجه به نوع شناخت رویکرد های مختلفی را در این راستا اتخاذ نمود. با اتخاذ رویکرد ها و استراتژی های مستعد و بر نامه های صحیح در این زمینه می توان تا حد زیادی به رشد اقتصادی استان سمنان کمک نمود. بخش کشاورزی برای پیشرفت و توسعه نیازمند حمایت دولت است که یکی از ارکان سرمایه اجتماعی به شمار می رود.

بررسی های مقاله نشان می دهد که اعطای یارانه به تولیدات بخش کشاورزی سهم اندکی از کل یارانه های بخش را دارد این در حالی است که یارانه های تولید در بخش کشاورزی باید افزایش یابد از جمله سیاست های پیشنهادی می توان به اعطای یارانه به نهاده های تولید، تعیین قیمت های خرید تضمینی محصولات کشاورزی اشاره نمود. این مقاله همچنین به بررسی رابطه بین هدفمند کردن یارانه ها و ظرفیت بالای کشاورزی و تنوع محصولات زراعی در رشد و توسعه استان سمنان می پردازد و ضمن معرفی چالش های مهم بخش کشاورزی و منابع طبیعی و نقش اعطای یارانه به بخش کشاورزی در این استان به ارائه راهکارهایی جهت

توسعه کشاورزی و دامپروری در استان می پردازد.

کلمات کلیدی: یارانه ها، بیمه کشاورزی و منابع طبیعی، سرمایه اجتماعی

مقدمه

بخش کشاورزی به همراه شکار، جنگلداری و ماهیگیری از کل ارزش افزوده بخش های اقتصادی در محصول ناخالص داخلی طبق آمار ارائه شده توسط مرکز آمار ایران در سال ۱۳۸۶ سهم ۱۱/۲٪ و از میان شاغلان ۱۰ ساله و بیشتر بدون در نظر گرفتن کارگران فصلی ۲۲/۸٪ را به خود اختصاص داده است. از مجموع ۳/۴۷ میلیون واحد بهره برداری در کشور حدود ۸۶/۷ درصد آنها را واحدهای زیر ۱۰ هکتار تشکیل داده و متوسط اندازه واحدهای زیر ۱۰ هکتار طی سال های مورد بررسی کاهش یافته است و میانگین کل کشور نیز طی این دوره از ۶/۰۵ به ۵/۰۷ هکتار رسیده است. به گزارش مرکز پژوهش های مجلس بیش از ۹۰ درصد آب کشور در بخش کشاورزی مورد استفاده قرار می گیرد که اگر تنها راندمان کاربردی آب در این بخش به میزان ۵ درصد افزایش یابد، مقدار آب صرفه جویی شده معادل با کل نیاز بخش های دیگر خواهد بود (جدول ۳). از دیدگاهی دیگر روند کاهش جمعیت روستایی در بردارنده این پیام است که باید به دنبال ایجاد فضایی مناسب برای مواجهه با این پدیده باشیم به عبارتی دیگر باید ظرفیت های جدید در اقتصاد کشور و مناطق روستایی تعریف شود و به طور منطقی با این روند کاهشی برای بالندگی معیشت و اقتصاد جامعه استفاده شود. (فیاض ۱۳۸۵ و ۱۳۸۴). آمارها همچنین ما را مجبور به پذیرش دو واقعیت می کند، یکی این که سرانه دستیابی به زمین در بخش کشاورزی در کشورهای در حال توسعه از جمله ایران اندک است (۰/۷ هکتار) و این در حالی است که این میزان در کشورهای توسعه یافته ۵۹/۶ هکتار است.

حال با افزایش رو به انفجار جمعیت و نیاز این جمعیت به تامین غذا، کاهش سرانه زمین برای هر شاغل کشاورزی و گسترش خرده مالکی در کشور، وضعیت روبه گزار از اقتصاد معیشتی، سهم بالای مصرف آب در بخش کشاورزی و افزایش نرخ بیکاری در میان شاغلین بخش وبالطبع افزایش مهاجرت از روستاها به شهرها شکاف وسیع مطالعه در افزایش بهره وری عوامل این بخش را واضح می سازد. بخش کشاورزی در اقتصاد کشورهای در حال توسعه به خصوص ایران و استان سمنان بالا رفتن فعالیت جمع کثیری از جمعیت جایگاه ویژه ای دارد شکل ۳ و ۴ (فائو، ۱۹۹۸).

با توجه به شرایط طبیعی و اقتصادی کشور ما، مخاطراتی که سرمایه گذاری در بخش کشاورزی را تهدید می کند بسیار جدی است. کشاورزی فعالیتی سرشار از مخاطرات است. در این فعالیت انواع مخاطرات طبیعی، اجتماعی، اقتصادی، و مخاطره آمیز فعالیت های کشاورزی